

باغ پیامبر و سرگردان

جبران خلیل جبران

باغ پیامبر

و سرگردان

برگردان: آرش حجاز





نشر کاروان : تهران - صندوق پستی ۱۸۶ - ۱۴۱۴۵

پست الکترونیکی : info@caravan.ir

وبسایت : www.caravan.ir

باغ پیامبر و سرگردان

نویسنده: جبران خلیل جبران

برگردان: آرش حجازی

نوبت چاپ: هفتم - ۱۳۸۶

چاپ پانزدهم عنوان

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

طراحی جلد و صفحه آرایشی: آتلیه کاروان

لیتوگرافی: موعود

چاپ و صحافی: کانون چاپ

مرکز پخش: کاروان - ۸۸۰۰۷۴۲۱

تمامی حقوق محفوظ و تنها متعلق به انتشارات کاروان است

شابکد: ۹۷۸-۹۶۴-۷۰۳۳-۴۳-۵

ISBN : 978-964-7033-43-5

جبران، خلیل جبران، ۱۹۳۱-۱۸۸۳

Kahlil Gibran, Gibran

باغ پیامبر و سرگردان / جبران خلیل جبران
برگردان آرش حجازی. تهران: کاروان، ۱۳۸۳.
۱۸۶ ص.

ISBN 978-964-7053-43-5

فهرستویسی بر اساس اطلاعات فیبا.
این کتاب ترجمه دو کتاب "the garden of the prophet"
"the wanderer"

۱. شعر مستور آمریکایی - - ترجمه شده به فارسی.
۲. شعر. ۳. نکته گوئیها و گزینہ گوئیها. ۴. عرفان. الف. حجازی،
آرش. ۱۳۴۹ - مترجم. ب. عنوان

۸۱۱/۵۲

۲۴ب/۳۵۱۳ PS

ب ۲۸۱ ج

الف ۱۳۸۱

۸۱-۱۶۳۸۲

کتابخانه ملی ایران



فهرست

سال شمار زندگی خلیل جبران ۱۰

باغ پیامبر ۱۵

سرگردان ۸۳

روی ماسه ها ۱۱۱

سرگردان ۸۵ سه هدیه ۱۱۲

جامه ها ۸۷ صلح و جنگ ۱۱۴

عقاب و چکاوک ۸۸ رقاصه ۱۱۶

ترانه ی عاشقانه ۹۱ دو فرشته ی نگهبان ۱۱۸

اشک ها و خنده ها ۹۳ تندیس ۱۲۱

در بازار مکاره ۹۴ مبادله ۱۲۳

دو شاهدخت ۹۶ عشق و نفرت ۱۲۴

آذرخش ۹۸ رؤیاها ۱۲۵

زاهد و جانوران ۹۹ دیوانه ۱۲۶

نبی و کودک ۱۰۱ قورباغه ها ۱۲۸

مروارید ۱۰۳ قانون و قانون گذار ۱۳۱

جسم و روح ۱۰۴ دیروز، امروز و فردا ۱۳۳

پادشاه ۱۰۶



- فیلسوف و پینه دوز ۱۳۵
 پُل ساز ۱۳۷
 دشت زَعد ۱۳۹
 کمر بند زرین ۱۴۱
 خاک سرخ ۱۴۳
 ماه بدر ۱۴۴
 پیامبر زاهد ۱۴۵
 باده‌ی کهنه‌ی کهنه ۱۴۷
 جاده ۱۶۶
 دوشعر ۱۴۹
 ماهی و پروانه ۱۶۸
 بانو روٹ ۱۵۱
 صلح و اگیر ۱۶۹
 موش و گربه ۱۵۳
 هفتاد ۱۷۱
 نفرین ۱۵۵
 یافتن خدا ۱۷۲
 سایه ۱۵۶
 رودخانه ۱۷۳
 انار ۱۵۷
 دوشکارچی ۱۷۵
 خدا و خدایان بسیار ۱۵۸
 سرگردان دیگر ۱۷۷
 زنی که کَر بود ۱۶۰
 جست و جو ۱۶۳
 عصای پادشاهی ۱۶۵



۱۸۸۳ — جبران در

البشری، شهری در لبنان
شمالی، در خانواده‌ای از
طبقه‌ی متوسط زاده
می‌شود. پدرش پیش از آن
که به قمار روی آورد، یک
خواربار فروش بوده است.
مادرش از ازدواج اولش
پسری به نام پیتر دارد. جبران
و مادرش رابطه‌ای نزدیک و
همراه با درک متقابل دارند،
و همین رابطه کشش هنری



جبران را تقویت می‌کند. دو دختر به نام‌های ماریانا و سلطانه به خانواده
افزوده می‌شوند.

۱۸۹۵ — پدر جبران در البشری به زندان می‌افتد. کامیلا برای گریز از
فقر، با چهار فرزندش به بوستون مهاجرت می‌کند. پیتر می‌تواند با
خلافت و تلاش خود مخارج زندگی را تأمین کند و اجازه بدهد جبران
به تحصیل بپردازد. جبران در دوازده سالگی استعداد خود را در نقاشی
آشکار می‌کند و انگلیسی می‌آموزد.

۱۸۹۶ — جبران به کاخ دنیسون راه می‌یابد؛ جایی که به تشویق
خلافت هنری در کودکان فقیر و مهاجر می‌پردازند. اواخر همان سال، با
فرد هلند دی، عکاس آوانگارد بوستونی ملاقات می‌کند که از خلیل
حمایت می‌کند و تأثیر شگرفی بر هنر و اندیشه‌ی او می‌گذارد.